

شیخ الشریعه کیست؟

۲۸ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۶

روز ۲۷ آذر ۱۲۹۹ آیت الله شیخ فتح الله شریعت اصفهانی مشهور به «شیخ الشریعه» دار فانی را وداع گفت. ایشان از برجسته ترین علما و مراجع تقلید در ۱۲۶۶ ق در اصفهان دیده به جهان گشود.

روز ۲۷ آذر ۱۲۹۹ آیت الله شیخ فتح الله شریعت اصفهانی مشهور به «شیخ الشریعه» دار فانی را وداع گفت. ایشان از برجسته ترین علما و مراجع تقلید در ۱۲۶۶ ق در اصفهان دیده به جهان گشود. در حوزه علمیه اصفهان نزد استادانی چون ملاعبدالجواد خراسانی مدرس کبیر، ملا حیدرعلی اصفهانی، ملا احمد سبزواری، ملا محمد صادق تنکابنی و حاج شیخ محمد باقر نجفی درس خواند و به تدریس اصول به شیوه شیخ مرتضی انصاری پرداخت و از برخی علمای اصفهان اجازه اجتهاد گرفت. سپس در ۱۲۹۶ ق برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف گردید و در محضر درس میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محمد حسین فقیه کاظمی حاضر شد و استفاده شایانی برد. همه صاحبان تراجم، مراتب فضل و کمال و جامعیت علمی او را ستوده اند. میرزا محمدعلی مدرس تبریزی او را از علمای طراز اول نامیده و در تجلیل از وی می نویسد «او جامع معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، فقیه اصولی رجالی، حکیم متکلم، ادیب مفسر اخلاقی، بالجمله در جامعیت و اشتراک در اکثر علوم عقلیه و نقلیه، از اغلب معاصرین خود ممتاز بود. بخصوص در رجال و علوم حدیثیه و قرآنیه، گوی سبقت را از دیگران ربود. علاوه بر مراتب علمیه، بسیار لطیف المحاوره بود و قوه حافظه او را از خوارق عادات و عجایب اتفاقات می شمارند. مقامات علمیه اش نزد علمای مشاهد مقدسه، مسلم و مورد تحسین شایان و تقدیر بی پایان بود.» او در حوزه نجف به تدریس و تالیف و تصنیف پرداخت و در ۱۳۱۳ ق به زیارت حج رفت و بعد از مراجعت، به امور علمی خود مشغول شد. شیخ فتح الله شریعت اصفهانی به شریعت الحق و سپس به «شیخ الشریعه» ملقب و معروف گردید. «شیخ الشریعه» علاوه بر فضایل علمی، مجتهدی روشن بین و متعهد بود و به سرنوشت سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و ترفندهای استعمار و قوف کامل داشت. او به عنوان مبارزه با استیلای استعمار بر بازارهای مسلمانان در ۱۳۱۵ ق فتوای تحریم خود را در خصوص استفاده نکردن از کالاهای فرنگی صادر کرد. وی رمز پیشرفت مسلمانان را در آشنایی با علوم و فنون جدید می دانست. از این رو مدارس نوینی را که در آنها علوم جدید اروپایی و زبانهای فرانسه و انگلیسی تدریس می شد، تأیید کرد و برای اداره آن هم «هیات علمی» تشکیل داد.

شریعت اصفهانی همانند مراجع مشروطه خواه نجف، نظام مشروطیت ایران را تأیید و از آن حمایت نمود و مردم ایران را به شرکت در انتخابات و حفاظت از آن فراخواند. وی بر ضد استعمارگران ایتالیایی در حمله به لیبی (از متصرفات عثمانی)، حمله متجاوزان روسی به شمال ایران و کشتار آزادیخواهان (۱۹۱۱ م)، حمله متفقین به عثمانی (۱۹۱۴)، و حمله نیروهای انگلیسی به عراق و اشغال بصره (۱۹۲۰)، جمعاً هشت فتوای جهاد صادر کرد و در آنها مسلمانان سراسر جهان اسلام را به مقاومت در برابر استعمارگران و

بیرون راندن آنها از سرزمینهای اسلامی و نفی و طرد هرگونه حاکمیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی آنان فراخواند. او همچنین جزوه ای به زبان فارسی منتشر کرد و مسلمانان را به ترک اختلافات و تفرقه و تمسک به اتحاد و دوستی برای حفظ استقلال کشورهای اسلامی به عنوان اساس مقاومت در برابر فعالیت های استعماری دعوت کرد. اعلامیه جهادی او بر ضد متجاوزان ایتالیایی، گواه روشن و آشکاری بر آگاهی کامل سیاسی وی از شئون مختلف استعمار در سرزمینهای اسلامی است. در این اعلامیه، شریعت اصفهانی خطاب به علما، فرماندهان روسای قبایل، بازرگانان بزرگ و همه مسلمانان جهان ۱۰ هدف عمده استعمار در سرزمینهای اسلامی را بر می شمرد :

- ۱ - بیگانگان استعمارگر با ملایمت و روش دوستانه، دل‌های مردم نادان را جلب کردند.
- ۲ - آنها با آوردن ساخته ها و دستاوردهای خود به بازار، مردم مسلمان را در همه امور زندگی، به خود نیازمند کردند.
- ۳ - به بهانه آموزش و پرورش و خدمات پزشکی، شیوه های خرافات دینی و گمراه کننده خویش را تبلیغ کردند.
- ۴ - مبلغان مذهبی خود را به میان مسلمانان فرستادند تا آنان را از علمای اسلام دور سازند.
- ۵ - کتاب های ضد دینی خود را در میان مسلمانان به رایگان و یا به بهایی ارزان منتشر کردند.
- ۶ - زر و سیم مسلمانان را گرفته، به جای آن کاغذ و اشیاء تجملی و مصرفی به آنان دادند.
- ۷ - مسلمانان را به مصرف مواد غیر لازم مانند قند، شکر، چای و بعضاً زیان آور مانند سیگار نیازمند کردند.
- ۸ - اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» را به کار برده، بدان وسیله بسیاری از سرزمینهای اسلامی را اشغال کردند.
- ۹ - با کسب امتیازات و دادن وامها و انعقاد قراردادهای گوناگون نفوذ خویش را در کشورهای اسلامی می گسترانند.
- ۱۰ - روحانی نمایان خود را به لباس روحانی درآورده، ادعای دانش می کنند. آنها این علما را در ردیف علمای واقعی قلمداد کرده و فسادی را که آن علمای دروغین مرتکب می شوند به حساب بدی مذهب اسلام می گذارند و بدین وسیله مردم را به سرپیچی از اوامر علمای حقیقی اسلام می خوانند.

شیخ الشریعه پس از اشغال بخشی از سرزمین عراق در جریان جنگ جهانی اول توسط انگلیسیها، فتوای جهاد برضد اشغالگران انگلیسی صادر کرد و خود همراه سایر علما رهسپار جبهه های نبرد گردید. وی در جبهه قرنه در کنار مجاهدین حضور فعال داشت. او همچنین در مهاجرت بزرگ اعتراض آمیز علما به کاظمین که به رهبری آخوند خراسانی انجام شد شرکت کرد. پس از صدور فرمان جهاد بر ضد متفقین و انگلستان شیخ الشریعه با ارسال نامه ای برای شیخ خزعل حاکم شیعی خوزستان از او دعوت کرد تا همراه با نیروهای خود، مردم عراق را در مبارزه ضد انگلیسی شان یاری دهد. وی عامل اصلی شکست انقلاب ضد انگلیسی نجف (۱۹۱۸) را فراهم نبودن شرایط می دانست. از این رو به فراهم نمودن مقدمات مبادرت ورزید. او همراه شیخ عبدالکریم جزایری از علمای نجف با رهبران عشایر شیعه عراق ارتباط برقرار کرد و تایید میرزا محمدتقی شیرازی را هم به دست آورد. به همین منظور در اواخر ۱۹۱۸ سازمان دینی سیاسی «الهیئت العلمیه» را در نجف تاسیس کرد. او به همراه میرزا محمدتقی شیرازی طی نامه ای به رئیس جمهور وقت آمریکا تمایل مردم مسلمان عراق را به انتخاب دولت مستقل عربی - اسلامی و پادشاهی مسلمان و مقید به مجلس شورای ملی را خواستار شدند.

در ۱۳۳۸ ق که شهر کربلا آزاد شد اداره امور سیاسی اداری و مالی آن را انجمنی بر عهده داشت که شیخ الشریعه رئیس آن بود. پس از درگذشت میرزا محمدتقی شیرازی شیخ الشریعه مرجع تقلید اغلب شیعیان گردید و جنبش ضد انگلیسی مردم عراق را ادامه داد.

در اواخر اوت ۱۹۲۰ زمانی که انقلاب عراق در شرایط مناسبی قرار داشت نایب حاکم عراق در نامه ای به شیخ الشریعه خواستار گفت و گو با رهبران انقلاب شد. این پیشنهاد باعث بروز دو خط مشی در میان آنها گردید. شیخ الشریعه همراه با عده ای دیگر از علما، روحانیون و مجاهدان هر نوع گفت و گو را به خروج مهاجمان از شهر منوط کردند. بعد از تشکیل حکومت موقت در عراق که با سرکوب انقلاب ۱۹۲۰ و بازداشت و تبعید چند تن از علما همراه بود، شیخ الشریعه رهبری مبارزه علیه اشغال، قیمومت و حکومت موقت را برعهده گرفت. او در ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۹ ق (۲۷ آذر ۱۲۹۹) در نجف اشرف درگذشت و در یکی از حجره های شرقی در صحن غروی امیر مومنان دفع شد.

محمد حسن رجبی، علمای مجاهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۶۱ تا ۲۶۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۸۹۴/شیخ-الشریعه>